**مصاحبه با AMPrivateKabul230718**

**تاریخ: 23 جولای 2018**

(مصاحبه در محل کار)

ک: سوال اولم این است که نقش تان در شرکت چی است؟

AMPrivateKabul230718: بسم الله الرحمن رحیم. نقش مه در فابریکه مه سهمدار تولیدی خود فابریکه هستم. فابریکه [نام فابریکه] در سال 1381 آغاز به کار کرد. در حدود، از سه قلم شروع، فعلا در حدود 71 یا 72 قلم دوا ما تولید می کنیم. سطح تولیدی ما در خود فابریکه در سه خط است که همزمان ما می توانیم شربت، محلول و پوماد تولید، بسازیم. و تعداد کارگر ما در حدود، بالاتر از 70 نفر است. در 18 ولایت افغانستان نمایندگی ها داریم از طریق نمایندگی های خود فروشات می کنیم. نمایندگی مرکزی ما در هوتل [نام هوتل] در مارکیتِ [نام مارکیت] که آنجا اضافه تر فروشات ما به روابطات با ولایات از همو طریق اجرا میشه. برای ولایات از همونجه ارسال میشه، به آدرسشان. دیگه سرمایه گذاری در سال 1382 ما فابریکه ره آغاز کردیم که در آن وقت در حدود بالاتر از 12 لک دالر در اینجه سرمایه گذاری شد. در حدود، از 10 نفر کارگر شروع که فعلا به بالاتر از 70 نفر میرسه. کا

ک: کارگرها باز به گونه ی مقطعی هستند یا این که به اساس ماهوار معاش می گیرند؟

AMPrivateKabul230718: ماهوار هستند. کارگرهای ما شروع از 10 هزار الی 35 هزار،

ک: [سوال تأییدی] معاش می گیرند!

AMPrivateKabul230718: بله ها. مختلف است. اداری است، مثلا، بخش تولیدی فارمسست ها است. کارگرهای عادی است که در بخش تولید کار می کنند. مدیریت تولید است. اینها معاش هایشان متفاوت است.

ک: تعداد کس های 10 هزار می گیرند چند است؟ کس های 30 هزار می گیرند چند تا هستند؟

AMPrivateKabul230718: 42 نفر است در حدود که اکثریت آنها محصلین فارمسی هستند. در پوهنتون های شخصی یا دولتی، بعد از وقت یا پیش از وقت می آیند کار می کنند. الی 12 بجه – زمان همو... هم تحصیل خوده پیش می برند هم [تغییر موضوع برای توضیح] چون در وطن ما و شما وضعیت اقتصاد اکثر، مردم بیچاره استند نمی تواننند فامیل هایشان آنها ره چیز کنند، پس از همو طریق خود اینها می آیند کار می کنند، مناصفه روز، همو 10 هزار معاشی که داریم برای آنها، مناصفه می کنند، که نیمِ روز میشه، 5 هزار میشه.

ک: شرکت باز چگونه تولید می کنه؟ مستقیم با دست تولید می کنه؟ قسما ماشین است؟ قسما دست انسان است؟ قسما اتوماتیک است؟

AMPrivateKabul230718: مختلف است برادر. ماشینری هم است. بخش لوشن های ما اکثر با دست پُکاری میشه که آن هم توسط دستگاه ها و ماشین ها آماده میشه، مکسرها است که آنها ره آماده میسازه، شب تا صبح مکسرها چالان می باشه، زمانی که تیار [آماده] شد، تولید میشه با دست. ماشین تولید پوماد داریم ما که در هر ساعت تا دو هزار دانه ما می توانیم تولید کنیم پوماد. شربت ها ره همچنان که شربتی است که کمی رقیق است و شربت های است که مثل شربت های معده که آنها غلیظ هستند تفاوت داره در تولید شان. از شروع هشت صبح تا چهار شربت های که رقیق استند تا 17 هزار یا 18 هزار بوتل تولید می کنیم. شربت های که ملی گرامش بلندتر است، مثلا 40 ملی گرام است، همچنان غلیظ تر است، کمتر از آنها. در حدود 8 تا 10 هزار ما می توانیم تولید کنیم به شکل منظم.

ک: برای تولیداتتان پلان کاری دارید [مداخله]؟

AMPrivateKabul230718: بله صاحب، بله بله.

ک: یا به اساس سفارش تولید میشه؟

AMPrivateKabul230718: تولیدات ما روی یک پلان که ما، که در اینجه یک بورد مشورتی هم داریم، به فیصله ی از آنها و با درنظرداشت فروشات دفتر مرکزی ما و ولایات، تقاضای دفاتری که در ولایات داریم، آنها ره، همه ی آنها ره تقاضایشان را در نظر گرفته پلان تولیدی خود ره هفته وار جور می کنیم.

ک: هفته وار [سوال تأییدی]؟

AMPrivateKabul230718: بله، هفته وار. به اساس یک پلان.

ک: پس به اساس یک سفارش است که از او طرف می آیه،

AMPrivateKabul230718: بله، سفارشات می آیه، کتابچه سفارشات داریم، توسط هر پرسونل ما که ویزیتور [visitor] داریم آنها سفارشات آنها گرفته میشه، درج کتابچه میشه. کتابچه فروشات. مدیریت ما با گدامدار ما در تماس میباشه. موجودیتِ باری که در اینجه است آنها، باری که محصولات ما نیست، تولید نداشتیم، تقاضا باشه، آنها ره شامل پلان می سازیم، تولید می کنیم.

ک: سطح تولید در چی حد است؟ ظرفیت شرکت در چی حد است؟ همین هفتاد قلم ره در چی حد در یک روز می توانید تولید کنید؟

AMPrivateKabul230718: ظرفیت ما، ما روزانه به صورت عموم از لوشن، پوماد، شربت محاسبه ی ما که چندین بار محاسبه کرده ایم تا 37 الی 38 هزار بوتل در فی روز بوده.

ک: بار در این سطح تولید دارید فعلا؟

AMPrivateKabul230718: بله. بله.

ک: در همین سطح تولید می کنید؟

AMPrivateKabul230718: اکثر اوقات مشکلات مواد خام است که از کشورهای خارج می آیه. بعضی اوقات مسیرهای راه مشکلات خوده میداشته باشه. اگر بارِ ما، موادهای خام ما در اینجه باشه، مشکل در تولید ما نیست. همه روزه می توانیم تا 38 الی 40 هزار بوتل ما تولید داشته باشیم.

ک: تا حد اکثر ظرفیت می توانید تولید داشته باشید؟

AMPrivateKabul230718: بله، از پوماد گرفته تا واسلین گرفته تا، به شمول شربت ها، در سه خط.

ک: نرخ گذاری تان چی رقم است؟

AMPrivateKabul230718: نرخ گذاری به اساس همو موافقه خود وزارت صحت عامه است که آنها یک فیصد قایل استند بعد از تمام‌شد [قیمت تمام‌شد یا تولید]. موضوعات مالیات و برق و کارگر و همه یشان ره در نظر می گیریم، فیصدی محاسبه می کنیم و آنها بورد دارند خود ریاست فارمسی، که توسط بورد آنها نرخ ها ثابت میشه و اجازه فروش داده میشه.

ک: از طرف آنها نرخ تعیین میشه؟

AMPrivateKabul230718: بله، از طرف آنها.

ک: معمولا چند است؟ مثلا، یک، شما به اساس کارتن می فروشید؟

AMPrivateKabul230718: کارتن است دیگه. اینجه موضوع پرچون نیست که کارتن ره باز کنیم. فروش ما به حساب دانه است اما به حساب [در شکل] کارتن است. سفارشات ما، از مشتری های ما که می گیریم، [مثلا] دو کارتن و پنج کارتن و به همین قسم. اما محاسبه ی ما به اساس فی دانه است. در هر کارتن ما 40 دانه، 24 دانه تا 100 دانه یا 80 دانه، متفاوت است. از روی دانه باز محاسبه میشه.

ک: باز یک دانه چقدر است؟ حد اوسط؟

AMPrivateKabul230718: فرق می کنه. واسلین ره میگین؟ شربت های معده ی ما ره میگین؟ آنها هر یکی فرق می کنه. کارتن های شربت های 240 ملی گرام ما 24 دانه است. عموم 240 ملی گرام ما. 120 ملی گرام 80 دانه است. واسلین های ما کارتن های 100 دانه است. پومادهای ما همچنان 120 دانه، 100 دانه است. قطره های پرسیتمول و اینها در حدود 100 دانه است.

ک: باز یک بوتل ره چند می فروشید؟

AMPrivateKabul230718: چی ره یعنی؟

ک: همین مثلا پوماده یا شربت ره؟

AMPrivateKabul230718: پوماد ما متفاوت است. موادهای است که به نام دکلوفینک میگن برای ارتوپیدی و این گپ ها است. اینها یک قیمت داره، بیتامیتازون یک قیمت داره. 30 گرام یک قیمت داره، 55 گرام ما یک قیمت داره. دیکلوفینک های ما معمولا 22 افغانی می آیه. بیتامتازون ما 14 افغانی می آیه. متفاوت است.

ک: شرکت ره که اول ایجاد کردید، طرز ایجادش، سرمایه ی اولیه ره از بانک قرض گرفتید که پس به حساب سود پس می دهید، یا این که کمک مالی دولت بوده، کدام ان.جی.او کمک کرده [مداخله آنی]؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نه. تا به حال به ما دولت نه کمکی ره کرده نه قرضی گرفته ایم ما. اگر بانک ها برای ما پیشنهاد می کنند، مثلا، می آیند که "شما می توانید از ما قرض بگیرید"، به یک فیصدی بسیار بالا تکتانه [interest] می گیرند. نمی صرفه، خلاصه، برای تولیدی ها نمی صرفه کسی نمی گیره. حال اگر چه یک بخش ما است که با [نام بانک] یک حسابک داریم. اما رییس های ما گرفته بودند. فعلا برای ما نمی صرفه، در صدد تصفیه حساب اینها هستیم.

ک: پس کاملا شخصی بوده.

AMPrivateKabul230718: بله، کاملا شخصی است. سه، چهار شریک ها هستیم ما با موجودیت سرمایه ی [نامفهوم] ما خواستیم که یکی شویم.

ک: باز ارزش فعلی تمام دارایی های غیرقابل انتقال شرکت در چی حد، سکیل کار شما در چی حد است؟

AMPrivateKabul230718: در حدود چهار میلیون دالر سرمایه گذاری شده. که فعلا ما سر همو.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه تجاری هم است، اتحادیه صنعتی؟

AMPrivateKabul230718: بله اتحادیه صنعتی داریم ما. یک اتحادیه داریم.

ک: عضویت در این اتحادیه کدام کمکی به شما رسانده؟

AMPrivateKabul230718: نخیر! نخیر! چندین بار به خاطر این که، خودتان می بینید، ما در یک تعمیر شخصی زندگی می کنیم. ده بسوه است این به شکل هنگر آباد کرده ایم، پشت سر معلوم میشه. ساحه ی تولیدی نظر به ضرورت به شکل استندردش نیست، جور کرده ایم. از لحاظ صحی اش درست است اما به شکل نورم جی.ام.پی که باشه نیست. در گذشته ها رییس صاحب دولت جناب حامد کرزی تقریبا ده سال پیشتر تمام فابریکه ها ره احصایه گیری کردند. یک یک جریب زمین برایشان اختصاص دادند که باید برای اینها داده شوه. البته در پارک های صنعتی [این] یک پیشنهاد بود. پیشنهاد دشت چمتله یا کدام جایی بود که حالی غضب شده از طرفِ قومندان های همو محل که چندین بار اتحادیه پیشنهاد کرد رفتند با وزیر صاحب صحت عامه هم ملاقات کردند اما تا به حال به دست ما نیامده. ما در یک تعمیری غیر نورمِ جی.ام.پی تولید می کنیم. که پنج سال - چند روز پیش جلسه شد در ریاست امور فارمسی – پنج سال به برای ما وقت دادند، اینجا آمد تفتیش، پنج سال برای ما وقت داد، احضاراتِ ما ره گرفت و تا پنج ساله ما باید به خود یک جای سرشته کنیم و از اینجه برآییم.

ک: خریدارهای که شما دارید دایمی هستند، کس هایی هستند که شما [قطع]؟

AMPrivateKabul230718: بله.

ک: [ادامه سوال] اعتماد دارید؟

AMPrivateKabul230718: ما نمایندگی هایی در 18 ولایت افغانستان داریم که تقریبا اینها هم رسمی هستند هم غیر رسمی. رسمی های اینها جواز گرفته اند از ریاست امور فارمسی برایشان. نمایندگی فروشات فابریکه [نام فابریکه]. و غیر رسمی هم داریم به شکل موقتی. ایجاد کرده ایم. چون شرایط افغانستان به این شکل است، ولایات و ولسوالی ها ناامن است. در مقابل پول نقدشان ما به شکل یک آزمایشی همراهشان یک کار و بار داریم. پول نقد خوده می گیریم یک فیصدی برایشان قایل میشیم، تا سه ماه ره. تا سه ما ره آنها ما ره ما آنها ره بتانه مطالعه کنند و شناسایی کنیم و بفهمیم که اینها آیا همین ظرفیت فروشاته در آنجا دارند واقعا یا که [تغییر موضوع برای توضیح] چندین بار آمدند به همین شکل یک مقدار قرضه، بیست، سی هزار دالر، برایشان دادیم تا امروز هم ندیده ایمشان ره. بعد از او بورد ما تصمیم گرفت که ما باید به شکل موقتی کس های که می آیند در اینجا به خاطر نمایندگی، موقتی ب ایشان کار داشته باشیم. مطالعه کنیم آنها ما ره ما آنها ره تا این که موفق هستیم. بعد از او رسمی برای ما، پیشنهاد کنیم به ریاست امور فارمسی که جوازشه برایشان بگیریم.

ک: شما از طریق مجاری دولتی چیز می کنید؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. نمایندگی از همو طریق داده میشه.

ک: بار فروشات بیشتر اوگرایی است یا نقد است؟

AMPrivateKabul230718: فعلا اوگرایی است. بیشترش اوگرایی است.

ک: این بخش بیشتر بالای شما است، مثلا، به عنوان کسی که وارد کار تولید شده اید چی تغییراتی – مثلا، سوال اولم این است که در وقت فراغت شما چی کار می کنید؟ قبلا چی کار می کردید؟ بعد از این وارد کار صنعت شدید چی تغییراتی آمد؟

AMPrivateKabul230718: بسیار گپ خوب [حرف تعارفی] برادر، مردم افغانستان از بیچارگی هرکاره هستند. متوجه هستید! ببینید که اصلا هیچ سواد ندارند پشت سر میز دواخانه نسخه اجرا می کنند. چندین بار خودم هم شاهد صحنه هستیم در [نام محلی در شهر کابل] دواخانه داشتیم، قطره ی اوکتامینول، مه ره صدا کرد که "نسخه ره بخوان داکتر صاحب"، رفتم نسخه ره خوانم قطره ی ستامتیفن و شربت و بعضی چیزهای دیگر. از پیشش که برآمدیم فراموش شد. به عوض قطره ستامتوفن، اوکتامینول برایش داده. که به علتش طفلک بیچاره ره در نیم شو به شفاخانه انتانی انتقال داده بودند. بسیار سر و صدا و جنجال. به همین شکل مردم ما هر کاره هستند. بله مه قبلا صحاب منصب پولیس، مه [نامفهوم] از بخش های نظامی پولیس. کارمند صحی هستم.

ک: [سوال تأییدی] در بخش نظامی کارمند صحی بودید؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. فارمسست هستم. در زمان داکتر صاحب نجیب از بخش صحی شان فراغت گرفته ام. بعد از او کار و بار شخصی داشتم. ده [نام محل در کابل] همی کار دوا ره می کردم. بعد از او به اساس روابطاتی که ما با جناب [رییس فابریکه] اینها پیشنهاد شراکت کردند برای ما که آدم نیک استی، آدم خوب استی، خی بیا همراه ما همینجه شراکت کار کو. پلان گرفتم که بیاییم همراه اینها.

ک: پس قبلا آشنایی داشتید با بخش دوا؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. ما از پدر دیگه داکتر هستیم. هم پدرم داکتر بود. مادرم هم داکتر است.

ک: یک فامیل دارید یا چند فامیل داکتر صاحب؟

AMPrivateKabul230718: یک فامیل.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

AMPrivateKabul230718: بله. بعضی اوقات که در خانه دق می آورم یک کتاب خانه گگ [نشانه تغصیر و اهمیت کم به موضوع] دارم مراجعه می کنم به کتابخانه مطالعه می کنم.

ک: موسیقی چی رقم؟ موسیقی افغانی، هندی، غربی؟

AMPrivateKabul230718: نی افغانی ره بیشتر خوش دارم.

ک: در اجتماعی که شما زندگی می کنید یک تصویری شما از زندگی مالی دارید و یکی هم مردم یک مفکوره ای داره، یک رفتاری داره نسبت به شما – شما از لحاظ مالی خوده پولدار حساب می کنید؟ مرفه حساب می کنید – به این معنا که پولی همونقدر دارید که کمکی از حد مصرف بیشتر باشه؟

AMPrivateKabul230718: ما خوده متوسط فکر می کنیم شکر است.

ک: متوسط به این معنا که شما به همو اندازه پیدا می کنید که مصرف میشه!

AMPrivateKabul230718: بله بله.

ک: یعنی هیچ پس انداز ندارید؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نی. در این افغانستان پس انداز نمیشه صاحب! [با لبخند].

ک: تصویر مردم چیست از زندگی مالی تان؟

AMPrivateKabul230718: خب پیش مردم طبعا، این مردم ما و شما همین طور فکرهایی ره دارند. یک موتر [اگر] سوار شدی، صبحگاهی رفتی، کمی سر و صورت صحیح بود، مردم فکرهای خوده دارند. طعبا.

ک: چی فکر می کنند؟

AMPrivateKabul230718: فکر می کنند که حتما، خب، نامِ فابریکه ره که بگیریم میگن "اوه، فابریکه است" [تعجب می کنند] طبعا مردم ما و شما کمی فکرهای تخیلی دارند.

ک: تحصیلات در حد لیسانس است؟

AMPrivateKabul230718: بله. 15 سال مکتب خوانده ام. 12 مکتب، سه سال هم فارمسست. 15 سال.

ک: اگه وقتش را داشته باشید از اینها کدامش را انجام می دهید؟ به این معنا که نگرانی کار یک طرف مانده باشه، از اینها کدامش ره انجام می دهید؟ دو گزینه دارم: اول این که به یک نمایشگاه هنری می روید، به یک محفل مشاعره، به یک محل کتابخوانی یا این که می روید به قرغه، حوز آببازی [قطع]

AMPrivateKabul230718: مطالعه ره زیاد خوش دارم.

ک: درست. در وقت فراغت هم؟

AMPrivateKabul230718: [بله] در وقت فراغت هم. روزها رخصتی تفریح ره زیاد خوش دارم. با اولادها می روم قرغه و صیاد و پنجشیر و همین طرف ها.

ک: بیشتر همراه اولادها؟

AMPrivateKabul230718: بله بله! مه یک فورمول دارم پیشم. روزها پنج شنبه مثلا با دوست ها و رفیق ها می باشم، روزها جمعه، همین که اولادک ها از مکتب رخصت می باشند با آنها هستم.

ک: با دوست ها و رفیق مثلا چی می کنید؟

AMPrivateKabul230718: خب [مکث طولانی] همین چکر است دیگه! موسیقی و چکر. به ولایات میریم و به همین شکل.

ک: فعلا در کدام نقطه شهر زندگی می کنید؟

AMPrivateKabul230718: از ما فعلا در ناحیه چهار کابل هستم شهرک پروان سه. بلاک های جدید که است. بلاک های نو.

ک: قبلا هم همانجا زندگی می کردید؟

AMPrivateKabul230718: قبلا در خیرخانه بودم. چون خانه از خود نداشتم طبعا دیگه، کسی که خانه نداشت، یک سال ده یک جای است، یک سال ده یک جای. به همین شکل.

ک: اطفال به مکتب خصوصی می روند یا دولتی؟

AMPrivateKabul230718: هم به خصوصی می روند هم به دولتی. مه معمولا پیش خود یک چیز دارم که تا صنف هشت و نُه باید دولتی بروند. بعد از او که همو اساس درس گفته میشه، آنها به مکتب خصوصی میروند.

ک: برای ایجاد شرکت طبعا، یکی اراده ی خود فرد است که یک شرکت ایجاد کنه، که شما قبلا هم آشنایی داشتید با این بخش. کی ها آمدند کمک کردند، اعضای فامیل کمک کرد؟ دوست ها کمک کرد، اعضای جامعه کمک کرد؟ اعضای قوم، منطقه و محل زندگی؟

AMPrivateKabul230718: همین دوست های که همراهشان در چینل کار و باری بودم همراهشان. همین ها اضافه تر ما را تشویق کردند در تولید، در بخش تولیدی. [نام فرد] که رییس ما است آنها هم روابطتاتی که داشتند تشویق می کردند که بیاییم [شرکت بسازیم]. [نام فرد] که معاون فابریکه هستند آنها هم تشویق می کردند. رفیق ما هستند. همین ها سبب شدند که مه بیایم ده فابریکه. از قبلا هم مه یک شوق داشتم در تولید. یک سرمایه دار باشم، یک فابریکه ی تولیدی داشته باشم، بتوانم برای مردم خود، برای مسکین های که بیکار هستند [همکاری، کمک کنم؟!].

ک: اما انگیزه از کجا آمد به شما؟ چطور گفتید که در بخش تولید؟

AMPrivateKabul230718: چون کشورهای خارج ره که می دیدم همین طور شوقم می آمد. در فابریکه های خارج که میرفتم می دیدم...[مداخله]

ک: کدام کشور ره رفتید دیدید مثلا؟

AMPrivateKabul230718: تاجیکستان رفتیم، ازبکستان رفتیم، ترکمنستان رفتیم، پاکستان رفتیم، هندوستان رفتیم.

ک: شرکت های تولیدی شان ره هم دیدید؟

AMPrivateKabul230718: کوچک هایشان ره. کوچک کوچک شان ره. [برای تولید قبلا] شوق داشتم.

ک: بر اساس همین تجارب باز علاقمندی شدید؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. به اساس همین تجاربی که داشتم و علاقمند شدم که مه هم باید شامل یک تولیدی باید باشم.

ک: این سفرهای ره که رفتید به خاطر [قطع]

AMPrivateKabul230718: کاملا شخصی بود.

ک: [ادامه سوال] می خواستید دوا بخرید؟

AMPrivateKabul230718: نخیر، کاملا شخصی بود. در آن زمان که می رفتیم کاملا شخصی بود. دوران طالبان بود. دوران پیش از طالبان بود که مه در شفاخانه بیست بستر ولایت کندز وظیفه هم داشتم و در نقش نمایندگی از شفاخانه در قرغان تیپه مریض های که تداوی شان در ولایت کندز نمیشد، آنها ره به خاطر تداوی اساسی روان می کردیم. یک قرارداد داشتیم با کشورِ دوست تاجیکستان.

ک: به همین ارتباط پس می رفتید به سفر؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. بعد از او باز رفتیم، شرایط دولت باز فرق کرد. تغییرات آمد. مجاهدین شهر ره گرفتند. چون پدرم رییس شفاخانه [نام شفاخانه] بود و خواستیم پیش پدرم برویم و زمانی که آنجا رفتیم آنها تشویق کردند تا که یک چند سفری ره به کشورها داشته باشیم. کمک ما کردند، رفتیم. همو باعث شد، انگیزه گرفتیم که حتما تولیدی ره، فابریکه داشته باشیم.

ک: فعلا چند موتر دارید داکتر صاحب؟

AMPrivateKabul230718: فعلا سه موتر.

ک: از کدام مودل هستند اینها باز؟

AMPrivateKabul230718: یک بنز دارم، یک کورولا است و یک پکنیک است.

ک: قبلا هم به همین تعداد موتر؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. ها.

ک: حج رفته اید؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نه. تصمیمش ره دارم به خیر.

ک: به سفر تفریحی اگر بروید خارج از افغانستان کجا ها می روید، کدام کشورها؟

AMPrivateKabul230718: نظر به، دوست های ما همیشه طرفِ چین اضافه تر به خاطر تجارت می روند، و قصه های چین ره زیاد می شنوم که بسیار یک شهر ستره است و اگر خواست خدا بود، نیت دارم که یک چکر چین بروم.

ک: اگر قبلا رفته باشید کجا رفته اید؟

AMPrivateKabul230718: قبلا پیشتر عرض کردم تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، هند، اینجاها رفته ام. و چین ره زیادتر دوست دارم. تعریف می کنند. همین طور یک پلان است.

ک: چند باب خانه دارید؟

AMPrivateKabul230718: دو باب.

ک: قبلا چند باب داشتید؟

AMPrivateKabul230718: قبلا دیگه، هم نداشتیم هم داشتیم. نبود داخل شهر کابل. در کاریزمیر، دشت چمتله که ناحیه 17 کابل گفته میشه. شکر از پدری زمین و خانه این گپ ها بود. در کابل نداشتیم. در کابل همین چند سال میشه که خود ما شخصی خرده ایم.

ک: از دوست هایتان یک تصویر بدهید که چی رقم آدم ها هستند در کدام مشاغل مصروف هستند؟

AMPrivateKabul230718: اصلا مه خود اضافه تر چیزم همین است که با انجنیرها با داکترها با معلمین با استادها ارتباط داشته باشم و [قطع]

ک: پنج شنبه ها که مثلا می روید چکر؟

AMPrivateKabul230718: بله. اضافه ترش همین داکتر صاحب ها هستند. حقوقدان ها هستند. همین طبقه.

ک: مسال امنیتی چگونه تاثیرگذار بوده بالای کار تولیدتان؟

AMPrivateKabul230718: خوب، این موضوع امنیتی خو یک بخش بسیار مهم است در تمام کشورها. کشورهای که فعلا به درجه ی بالا رسیده اند علتش همین مالیه و امنیت بوده. در افغانستان، خصوص در کابل امنیت ره ما درست نمی بینیم. روز به روز، هفته به هفته وضعیت خراب شده راییست. دو، سه، چهار شب پیشتر جایی بودیم، سر و صدا شد، ترق و پرق. صدای مرمی و فیر و این گپ ها در چهارراهی انصاری. همینجه یک کورولاگک، همونجه با فامیلش نان می خورد، آمده بود یک کورولا [تغییر موضوع] طبعا در این وطن ما و شما دیگه بدبختی و بیچارگی است، خصومت های شخصی است – رییس فامیل که سرِ جلو شیشته بود می خواستند که پایین شوه، موتر شیشه سیاهِ فورنر، ایستاده شده همونجه، سه، چهار نفر مسلح بودند، سه، چهار شاجور ضربه کردند مسکین ره. موترش ره هم ضربه کردند. از سیاه سرهایش و طفلک هایش کسی اوگار نشدند. خود ما هم فرار کردیم. فقط [اما] هیچ نشنیدیم. نه از رسانه ها. نه از رادیو، که چی قسم بود موضوع. اما رییس فامیل ده هموجه شهید ساختند. موترشه سه، چهار شاجور در ماشینش، در تمام جایش ضربه کردند. این حالت هایی است که آدم یک شوک عصبی می بینه. تا مدت ها این تاثیرات سر روح انسان می داشته باشه. شخصا هر لحظه خودم ده پیشم، ده پیش چشمم فوکس است. دیگه خوب نمی دانم وضعیت امنیتی ره.

ک: کدام سالی بوده که به گونه ی واضح همین سطح تولیدتان، تقاضا در مارکیت، متضرر شده باشه؟ پایین آمده باشه؟

AMPrivateKabul230718: بله. برادر، در گذشته ها چند سال پیش فابریکه دواسازی [نام شرکت] بالاتر از 13، 14 لک فروشات داشت. اما فعلا، پارسان در حدود 11 لک، امسال تا تقریبا ماهِ چهارم یا پنجم همین سال است، ما فکر نکنیم که ما سال گذشته ره مناصفه آن ره بگیریم. وضعیت فروشات روز به روز در این وطن ما و شما، مشکلات در تولید، در فروشات زیاد است، بناء سطح تولید هم ضعیف میشه. تقاضا است که عرضه است.

ک: کدام سالی است که از همان سال به بعد وضع خراب شده رفته باشه؟

AMPrivateKabul230718: بله. ما اضافه تر در همین پنج سال، شش ساله بدبخترین سال های چیز کدیم که

ک: پس از سال های 2012، 13 و 14 به این طرف؟

AMPrivateKabul230718: همین پنج سال [تصحیح] شش سال خرابتر شده راییس.

ک: این بخش سوال ها بیشتر بالای طرز تصمیم گیری در شرکت است که چگونه، تصمیم گیری به گونه ی متمرکز است که بینِ شرکا صورت می گیره؟

AMPrivateKabul230718: ما بورد داریم. ده فابریکه بورد داریم. بورد ما تصمیم می گیره. هفته وار تولید ما تنظیم میشه. شش ماه در شش ماه، نظر به موسم سال، هر دوا از خود یک موسم داره که در او موسم اضافه تر یا کمتر فروشات میشه.

ک: اعضای بورد باز...[؟]

AMPrivateKabul230718: اعضای بورد باز تصمیم می گیرند. اعضای بورد که اکثرشان داکتر صاحب ها هستند. اینها.

ک: چند نفر است اعضای بوردتان؟

AMPrivateKabul230718: شش نفر است.

ک: که به شمول چهار سهمدار میشه و دو نفر دیگه هم؟

AMPrivateKabul230718: اصلا رییس و معاون ما نیستند خارج از کشور هستند. بورد ما کاملا تنها خودم هستم که شریک فابریکه هستم و داکتر صاحب [نام شخص] که مسول تولیدی ما است. دیگه از خود فابریکه نیستند. کس هایی استند که ده تجارت می فهمند، ده تولیدات می فهمند و فعلا هم رییس های بسیار مهم بخش های دولتی هستند. نظر به تقاضای خود ما و نظری که همیشه از آنها گرفته ایم به نفع فابریکه بوده، ما ره همیشه تا به حالی. همو بورد ما [نامفهوم] تولید ما ره بعضی پروگرام های که ما داریم به اساس مشوره بورد و فیصله ی بورد می کنیم.

ک: گفتید رییس و معاون شرکت بیرون زندگی می کنند؟

AMPrivateKabul230718: بله بله [تصحیح حرف های قبلی] بیرون زندگی نمی کند، فعلا بیرون از کشور هستند به خاطر خرید مواد خام.

ک: در باره تصامیم کلان مثل توزیع منافع، توزیع سود، توزیع، یا خرید یک ماشین کلان، این مصارف کلان باز بورد می توانه تصمیم بگیره؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. بورد تصمیم می گیره. بورد فیصله می کنه. بخش مالی ما پولشه می پردازه. رییس های ما می توانند که از کشورهای خارج خرید کنند.

ک: پس تصمیم بورد لازم الاجرا است؟

AMPrivateKabul230718: بله بله.

ک: هفته ی یک دفعه گفتید؟

AMPrivateKabul230718: بله. پنج شنبه در پنج شنبه.

ک: از جمع کارگرها که در این بورد کسی نیست؟

AMPrivateKabul230718: مدیر تولید ما است. فارمسست های ما که در بخش تولید، نفرها فنی گفته می شوند، نفرهای فنی ما موجود است. مدیر مالی ما موجود است. مدیر اداری ما موجود است.

ک: آنها باز می توانند نظر بدهند که فرضا معاش کارگرها زیاد شود، کم شود [قطع]

AMPrivateKabul230718: بله بله. مدیر تولید ما کاملا صلاحیت داره. پیشنهادهایش شنیده میشه. در بوردهای ما، در جلسه های ما می آیند آنها. نظرات آنها در نظر گرفته میشه.

ک: کدام وقتی هم شده که به اساس نظر آنها معاش کارگرها زیاد شده باشه [قطع]

AMPrivateKabul230718: بله بله. از 12 هزار... کس های که فعلا معاش شان 35 هزار است، از 12 هزار شروع شده بود و نظر به پیشنهاد مدیر تولید و چیز کار آنها لازم دیده شده برایشان داده میشه.

ک: به کارگرها برعلاوه معاش دیگه چی خدماتی ارایه میشه؟

AMPrivateKabul230718: همین سالانه برای عید و این گپ ها یگانه بخشش و این گپ ها است.

ک: سه وقت نان؟

AMPrivateKabul230718: نانشان است. بله، نانشان تنها پیشین است. یک وقت.

ک: جای بود و باش؟

AMPrivateKabul230718: نخیر.

ک: اینها باز شامل کدام اتحادیه کارگری هم میشن؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نی. اتحادیه کارگری تا حال نه در اینجه مراجعه کرده ده فابریکه نه آمدند کسی و نه آدرسشانه داریم.

ک: طرز استخدام تان چی قسم است؟

AMPrivateKabul230718: نظر به ضرورت. مدیریت تولید ما پیشنهاد می کنه که سر این ماشین چهار نفر نیاز است و ما و شما داریم "دو نفر". دلایل خوده میگه. بعد از او که بورد ما تصمیم می گیره، استخدام می کنیم.

ک: باز همو نفرها خودشان می آیند مراجعه می کنند یا این که [قطع]؟

AMPrivateKabul230718: نخیر. مراجعه هم می کنند. اما ما اکثر اوقات شماره های تلیفون های کس های که ده پیش ما مراجعه کرده اند قبلا، کار کرده بودند، تجربه دارند، بلد استند در سیستم و تمامشان پیش ما استند. برایشان زنگ می زنیم، می خواهیم آنها ره.

ک: در قسمت تصمیم گیری، همه کس های که عضو بورد هستند از افغانستان هستند؟

AMPrivateKabul230718: بله!

ک: با شرکت های دیگری که تولید ادویه می کنند هم شما ارتباط دارید؟

AMPrivateKabul230718: بله ها. بله بله. خوب، یکی که اتحادیه ی ما ماهانه، 20 روز بعد، 15 روز بعد یک نشست عمومی می داشته باشیم. رابطات خوده ما در همونجه با همدیگر، بعضی مشوره ها و بعضی گپ ها، از آنها مشوره می گیریم، از آنها آدرس می گیریم [مثلا] برای خرید مواد خام، در بخش تولید، یا... به همین شکل رابطه داریم.

ک: پس رابطه یتان رقابتی است یا رابطه ی چی دارید؟

AMPrivateKabul230718: خب [مکث] رابطات اجتماعی است و طبعا خو رابطه ی رقابتی – هر هم‌مسلک یک رقابت کاری می داشته باشه. رقابت سالم. رقابت سالم داریم.

ک: در قسمت کمک های دولت، گفتید هیچ گونه کمکی نشده. مثلا قبل از این که ایجاد کنید شرکت ره، این طور، نهاد دولتی، [مثلا] وزارت صحت عامه یا کدام وزارتی که در بخش صنعت مصروف است، به شما معلومات داد که ما در مارکیت این طور یک چیزه کم داریم شما پولتان ره در این بخش مصرف کنید.

AMPrivateKabul230718: نخیر [چندین بار و با تأکید]. همو کار تولیدی ما که ما در اینجه تولید می کنیم، سمپل‌گیری میشه، هیات های که از فارمسی می آینده، [نامفهوم] فارمسی میره وزارت صحت عامه برای کوالتی کنترول [quality control] میره. رییس صاحب فارمسی چندین بار با ایشان شیشتیم، مشکلات خوده برایشان گفتیم. زمانی که ما تولید می کنیم یک قلم ره، موسمش است. [به او می گوییم] برادر شما دو ماه، سه ماه پس حکم، به اصطلاح، همو اطمینانی ازین ره به ما می دهید. همین دو ماه موسم این [دوا] تیر میشه. همین دو ماه، برادر، ما از بازار پس می مانیم. موسمش تیر میشه، هوا گرم میشه، هوا سرد میشه. اینها فیصله کردند که از ده روز الی دوازده روز [دیگر] تال نمیخوره [زمان می گیرد]. از سمپل‌گیری شروع الی بازگشت اطمینانی اینها. اما فعلا هم پس از بیشتر از یک ماه هم نمی آیه.

ک: [سوال تأکیدی] یک ماه در بر می گیره که [قطع]؟

AMPrivateKabul230718: یک ماه در بر می گیره...از بازار می مانیم، از مشتری ها می مانیم. چندین بار تقاضا می کنیم. نماینده ی خوده روان می کنیم که ایله به ایله، [روان می کنند]. این طور چشم گیر همکار نیستند، که همراه ما همکاری خوب داشته باشند. تولیدهای ما تال ندهند. همزمان وقت و همو معیادی که تعیین شده است از طرف بورد خود آنها، که ده روز، دوازده روز است، نی [عملی نمیشه]. این قسم عملی نمیشه.

ک: نهادهای غیرانتفاعی چی، نهادهای که به کار صنعت مصروف نیستند، نهادهای جامعه مدنی یا نهادهای شوراهای محلی یا نهادهای انتفاعی که می خواهند همراهِ شما کدام ارتباط دارند؟ شما به آنها پولی، کمکی می کنید؟ یا آنها در قسمت پیشبرد تجارت به شما مشوره ارایه کنند؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نی.

ک: این طور وقتی شده که از سال 1381 به این طرف شما این طور احساس کرده باشید، هر چهار شریک، هر چهار سهمدار، که شرکت از لحاظ مالی پس از این باصرفه نیست و دروازه اش ره بسته کنید و بخواهید بروید یک کاری دیگری کنید؟

AMPrivateKabul230718: تا به حالی به فضل خدا نشده این طور نشده.

ک: بازاریابی و فروشاتتان بیشتر در کدام شهر است؟ حد اکثر فروشات؟

AMPrivateKabul230718: ولایت های که امنیتِ کامل دارند مثل مزار شریف، مثل شبرغان، مثل پلخمری، مثل کابل، جلال آباد و اینها. به شکل نورمال یک فیصدی خوب اینها دارند [می خرند].

ک: بیشتر باز در کدام شهر است؟

AMPrivateKabul230718: بیشتر همین مزارشریف است. بیشتر هرات است. بیشتر شبرغان است. جلال آباد است.

ک: از کابل هم کرده در اینجاها بیشتر می فروشید؟

AMPrivateKabul230718: [بله] از کابل کرده هم در اینجاها خوبتر می فروشیم.

ک: پس بیشتر به ولایات میره؟

AMPrivateKabul230718: [بله] به ولایات میره.

ک: آخرین باری که برای توسعه شرکت پول مصرف کردید کدام سال بوده؟ که یک ماشین نو خریده باشید؟

AMPrivateKabul230718: هر سال، نظر به نیازمندی، نظر به همو ماشینری های که همو کشورهای خارج وارد می کنند و اعلان هایشه پخش می کنند، یک سنجش خوده می کنیم که بتوانیم با کدام ماشینری سرعت تولید خوده بالا ببریم، پیش ببریم، و تولیدات ما به شکل درست و استندردش تولید شوه. ، سال ده سال ما ماشینری خوده تجدید می کنیم.

ک: مثل چند ماه پیش شما این کار را کردید؟

AMPrivateKabul230718: ما پارسال توانستیم که حدود سه ماشین بسیار خوب، که یکیش برای تولید پوماد است، یکیش سیروم است و یکیش هم شربت است. دو سال گذشته ما توانستیم خوبترین یک دستگاه تولیدی درپ [drop] که قطره، پرسیتمول است یا الکروپماید است، یا بعضی قطره های دیگری که ما تولید داریم، [این ماشین] سرعت بسیار بالا داره. همزمان خودش لیبل می زنه، تاریخ می زنه، پُرکاری می کنه، انتقال میده مواد خامه [تصحیح] پخته ره، خریدیدم. دیگه، هر سال هر سال نظر به نیازمندی ها.

ک: پس این ره می توانیم به عنوان امیدواری شما به آینده این صنعت حساب کنیم؟

AMPrivateKabul230718: بله.

ک: دلیلش چی بوده می توانه؟ ده شرایطی مثل شرایط افغانستان، شما باز هم فروشات [بررغم این که] در سطح گذشته نیست، باوجود این هم کار ره ادامه می دهید؟

AMPrivateKabul230718: یکی این که مردم ما، چون سطح آگاهی آنها بسیار پایین است. حالی هم بسیار خوب شده. چند سالی پیش دواخانه داشتم در [نام محلی در کابل] یک کسی آمده گفت "یک بوتل شربت [نام شربت] بده". شربت [نام شربت] از تولیدات کشور داشتم پیش رویش ماندم گفت "این خو وطنی است، این چی است هیچ موثریت نداره!" [این حرف را زد] قبل از این که آنرا استفاده کرده باشه، قبل از این که نتیجه ای از آن بگیره، چون [اساسا] اعتبار نمی کرد به تولیدی وطن ما. اکثر داکتر صاحب های ما هم. چون نزدک ترین کس به مریض است یک داکتر، او ره می توانه قناعت بده که برادر تولید، آغاز، [نامفهوم] تولید است. نگهداری از این. از پاکستان ما کانتینرهای شربت های [نام کمپنی] که آمد ما در [نام محل در کابل] هر شربته همین که کانتیرن ره باز می کردیم، داخلش یک گنده بوی میداد. زیر درجه ی حرارت بسیار بالا یا پایین، آفتابی، گرمی سوزان شما در هوتل [نام هوتل] می رفتید می دیدید که پیش هر دواخانه صدها کارتن چیدگی است. این خو دوا است، این خو تحت یک درجه معین او نگهداری باید شوه. اما در آفتاب سوزان، اگر 30 درجه آفتاب باشه زمانی که در شیشه انعکاس می کنه او به بالاتر از او میشه. متوجه هستید؟ سطح مردم آگاهی مردم ما و شما پایین است. اعتبار نمی کردند. نسبتا حال خوب شده. در همین یک سال و دو سال خوب شده. اصلا قبلا وطنی می گفتیم اصلا کس نمی خرید. داکتر صاحب زیاد [نامفهوم] نبودند با فابریکه های تولیدی که به مریض قناعت بدهند که تولید وطن ما است، شما بروید یقین کنید، استفاده کنید، استعمال کنید و بعد از او شما [تصمیم بگیرید].

ک: این طور هم شده که مثلا تولیداتتان ره به نام یک کشور دیگه فروخته باشید؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نی. همیشه به نام وطن. چون یکی این که ده ریاست امور فارمسی قید است این کار، خلاف قانون است. نمی توانیم این کار ره بکنیم.

ک: پس طرز فروشاتتان همین است که قناعت بدهند داکترها [به مریض ها]؟

AMPrivateKabul230718: [بله]. داکترها قناعت بدهند، همکار باشند با فابریکه. داکتر خو خیلی روشن استند آنها می توانند که تولیدی ها ره رُشد بدهند، اعتبار بدهند برای مریض ها و مریض ها. متأسفانه که تا هنوز این عرصه ضعیف است ده وطن ما و شما.

ک: مارجن مفادتان باز چند است از فروش یک بوتل؟

AMPrivateKabul230718: اجازه وزارت صحت عامه 15 فیصد است دیگه.

ک: برای مواد خام چیزی از داخل هم استفاده می کنید؟ مثلا، به شمول پکجنگ تا مواد؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نی. کشور ما تا فی الحال فابریکه ی تولید مواد خام نداره. موادها، گیاه ها [قطع]

ک: به شمول بوتل؟

AMPrivateKabul230718: نی نداره. تنها بوتل های پلاستیکی داره، مثل سیروم. مثلا بوتل های واسلین. مثل بوتل های پایودین که تینچر میگیم ما و شما. که پلاستیک است همه ی اینها. میشه تولید میشه اینها. اما شیشه ره نمیتانند تولید کنند.

ک: فیصدی، در ذهنتان تخمینی، چند فیصد یک بوتل واسلین یا بوتل سیروم، چند فیصدش پولی که مصرف می کنید در قسمت تولید او، بالای موادی می دهید که از بیرون می آیه؟

AMPrivateKabul230718: ما تمام‌شده گفته یک چیز داریم، تمام‌شد می کشیم که یک قلم جنس ما چند تولید شده، شروع از لیبلش، شروع از تمام مصارف. برق، کارگر، استهلاک ماشین ها. فیصدی سنجیده شده. باز 15 بالایش افزود می کنیم.

ک: منظور مه از فیصدی مواد خام داخلی که در یک قلم استفاده می کنید یا بسیار کم است [که در نظر نمی آیه] یا این که، فرض کنیم یک بوتل سیروم، در یک بوتل سیروم، مواد خامی که برایش می خرید، هزینه اش چند است؟

AMPrivateKabul230718: متفاوت است. بوتل های سیروم یک نرخ داره. بوتل های واسلین یک نرخ داره. شیشه های که 40 ملی گرام از خارج می آیه یک نرخ داره. 60 ملی اش یک نرخ داره. متفاوت است.

ک: منظورم این است که مواد خام داخلی آنقدر نقش نداره در تولید؟

AMPrivateKabul230718: نخیر. مواد خام داخلی اصلا ما و شما نداریم. گیاهی که در اینجا موثر است، از او موادهای خام جور میشه، میره خارج، از خارج پس می آیه.

ک: ماشین آلاتی که دارید آیا به درد یک نوع تولید می خوره؟ یا این که شما اگر احساس کنید که ما بخواهیم که جوس تولید یا بخواهیم ...؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. مه فهمیدم مطلب تان ره. چون ما قبلا هم برایتان عرض کردم که ما چند نوع، از یک قلم چند نوعشه تولید داریم. 60 ملی گرام، 120 ملی گرام. 240 ملی گرام. متوجه هستید؟ همین ماشینری های ما همگی می توانند اینها ره تولید کنند. اما قالب های داره که آنها 240‌اش پایین میشه، 60‌اش بالا میشه. قالب های که انتقال میده به شکل دورانی. آنها توسط انجنیری که در اینجه ما داریم یک روز قبل از تولید به سمع شان رسانده میشه، آنها آمادگی خوده می گیرند، بعد از او تولید می کنند.

ک: اما فقط به درد تولید ادویه می خورند؟

AMPrivateKabul230718: بله بله.

ک: یعنی اگر شما بخواهید فردا جوس تولید کنید؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نی. کاملا فرق می کنه.

ک: رقابت با رقیب های خارجی چی رقم است؟ شما در یک تنگنا قرار گرفته اید در بازار به خاطر این که کشورهای بیرونی؟

AMPrivateKabul230718: با کشورهای بیرونی طبعا همه فابریکه های تولیدی وطن ما از آنها کرده از لحاظ کیفیت بالا است. ما و شما در همین طول مدت ها خودم چندین بار آزمایش کرده ام. از خارجی ها ره، ایرانی ره هم استفاده کرده ام. تولید خود ما ره هم استفاده کرده ام. متفاوت است. کیفیت دوای ما بالاتر از دوای خارجی ها است. و همزمان در اینجه تولید میشه فکر کو که اگر ریاست امور فارمسی با ما همکاری کنه یک بوتل شربت ره ما می توانیم ده دو هفته ده بازار عرضه کنیم. هم تولید، تاریخ، تجزیه و در بازار عرضه کنیم. اما از کشور خارج که می آیه مدت ها در راه [می مانه]. پیشتر هم برایتان عرض کردم که درجه حرارت معین است از سر او باید کم و زیاد نشه. کسی ضمانت کرده نمیتانه. گرم می آیه در آفتاب سوزان توقف می کنه بوتل ها. تمام اینها کیفیت آن ره از بین می بره. در اینجه همیشه که ما استفاده کرده ایم دوای وطنی خوده و مشتری ها ما که از پیش ما برده اند خوش هستند. نتیجه خوب گرفته اند.

ک: باز در بازار چی رقم است؟ مردم بیشتر ترجیح می دهند یا؟

AMPrivateKabul230718: بله بله. فعلا کمی کمی. نسبتا نظر به خارج، نسبت به تولیدات خارج مردم ما آگاه شده اند و حالی خوب شده اند.

ک: یعنی شما مشکل ندارید همراه رقابت با بیرونی ها؟

AMPrivateKabul230718: نخیر نی. نخیر نی.

ک: بازاریابی تان بیشتر به چی شکل صورت می گیره؟

AMPrivateKabul230718: بازاریابی ما، در گذشته ها ویزیتور [visitor] داشتیم، توسط ویزیتورها می رفتند ملاقات می کردند دواخانه به دواخانه، داکتر به داکتر. اما از این که فابریکه کیمیاگر تقریبا 15، 16 سال میشه از تولیداتش، از فعالیتش، فعلا ما نیاز نداریم که ویزیتور داشته باشیم. فعلا ما نیاز ندانستیم که ویزیتور داشته باشیم به بازار بگردند ارزیابی کنند. دوای ما چیز خوده گرفته،

ک: می خرند یعنی؟

AMPrivateKabul230718: می خرند بله.

ک: مستقیم از شما؟

AMPrivateKabul230718: مستقیم از ما.

ک: خریدارها هم دایمی هستند؟

AMPrivateKabul230718: بله.

ک: سیاست انوویشنتان چطور است؟ پالیسی برای نوآوری، از پکجنگ گرفته تا؟

AMPrivateKabul230718: موضوع خوب ره اشاره کردید. هر فابریکه می خواهه که پیک نو داشته باشه، از فابریکه تولید دوا شروع تا جوس تا هر فابریکه ای که باشه. خود ما چندین بار خواستیم چون کپسول و این گپ ها ره تولید نتوانستیم بکنیم، از این که ماشینری بالاتر از 3.5 لک، 4 لک دالر تنها ماشین تولید این هزینه بر می داشت، نتوانستیم. دولت هم نبود که برای، همراه ما کمک می کردند. نتوانستیم همو نکته ای ره که ما باید می گرفتیم، نتوانستیم کپسول تولید کنیم و خوده برسانیم ده او سطح. دیگه [مکث و خاموشی].

ک: ده یک روز چند ساعت کار می کنید داکتر صاحب؟

AMPrivateKabul230718: هشت بجه صبح رسمیات ما شروع میشه الی 12. از 12 الی یک بجه تایم نان و ادای نماز است. بعد از او تا 5 بجه.

ک: کل کارگرها هم به همین شکل؟

AMPrivateKabul230718: ها بله.

ک: از پول درآمد شرکت شما توانسته اید که یک سرمایه گذاری دیگر کرده باشید؟

AMPrivateKabul230718: یقین کنید که بیلانس سالانه و شش ماه می گیریم، می بینیم ده روی کاغذ که فایده کرده ایم، اما ده ختم سال که میشه چیزی ده دست ما نمی مان [خنده].

ک: شما گفتید، سوال آخرم این است، که انگیزه‌ی اولی که برای ایجاد شرکت شما به شما داشتید این بود که به جاهای دیگری ده کشورهای دیگری رفتید...باز چرا پس که آمدید در همین بخش دوا سرمایه گذاری کردید؟ این به خاطری بود که یک پیشینه ای داشتید، یک تجربه ای داشتید؟

AMPrivateKabul230718: چون تجربه داشتم، مسلکم بود، مسلک پدری ما همین است. داکتر هستیم. خواستم که برادر همو مسلک خوده، ده همو مسلک خود برای همیش باشم. تا اولادهای خوده هم تشویق کرده ام. فعلا یک بچه گکم است که طب می خوانه، یک بچه گکم اقتصاده می خوانه. دیگه تمام انگیزه اش این بود که همی رشته خوده بخواهیم برای همیش زنده داشته باشیم.

ک: تشکر!

AMPrivateKabul230718: قابلش نیست.